

فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (ع.ه.ج)
سال چهاردهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۶، پیاپی ۳۴

DOI: 10.22051/tqh.2017.9929.1216

فراگرد ارتباط شیطان و انسان از منظر قرآن کریم

مصطفی همدانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۰۳

تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۰۸/۰۱

چکیده

ارتباط انسان و شیطان، از آغاز خلقت هر فرد تا پایان عمر وی برقرار است و درک درست این ارتباط، آثار تربیتی و انسان‌ساز بسیار مهمی بر ارتباط درون‌فردی (ارتباط انسان با خود، با خدا و جهان غیب) و نیز بر ارتباطات میان‌فردی و در ساحت‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی برجا می‌گذارد. قرآن کریم نیز در همین راستا همواره سعی کرده است شناخت انسان را نسبت به شیطان و ارتباط با او بیفزاید. پژوهش فرارو، با هدف تبیین فراگرد ارتباطی انسان و شیطان از روش توصیفی - تحلیلی استفاده نموده و آیات قرآنی مرتبط با ارتباط دوسویه انسان و شیطان را براساس فراگرد ارتباط و عناصر آن تحلیل کرده است. تبیین عناصر ارتباط تقابلی انسان و شیطان، تبیین ابعاد و اجزا و مراحل فراگرد ارتباط انسان و

شیطان در دو قطب استحواذ و استخلاص، عناصر موجود در فراگرد ارتباطی انسان و شیطان از جمله ماهیت وسوسه و ابعاد آن به عنوان پیام گمراهی، تبیین عوامل موثر در رمزگشایی از پیام شیطانی در درون انسان و ارائه مدلی از ارتباط انسان و شیطان از منظر قرآن کریم، از مهم‌ترین دستاوردهای این مقاله است.

واژه‌های کلیدی: شیطان، وسوسه، پیام گمراهی، مدل ارتباطی، ارتباط درون‌فردی، فراگرد ارتباط انسان و شیطان.

مقدمه

به گواهی قرآن کریم، از نخستین ساحت‌های ارتباطی انسان، ارتباط دوسویه او با شیطان است. این ارتباط در جریان فرمان الاهی به فرشتگان و شیطان به سجده بر حضرت آدم (ع) و پیامدهای نافرمانی شیطان از این سجده شکل گرفته است. در پی این واقعه، شیطان در وسوسه بشر مهلت یافت و از طرف دیگر حضرت آدم (ع) و همسر او و شیطان همگی از قرب الاهی به سوی زمین رانده شدند. پس از این رانش، خدای متعال حضرت آدم (ع) و همسر و بلکه ذریه او را موکداً از تبعیت شیطان برحذر داشت. (نک: البقرة: ۳۴، ۳۸؛ الحجر: ۳۸-۳۶؛ یس: ۶۰)

شیطان از جنیان است (الکهف: ۵۰؛ ص: ۷۴) و جنیان هم دیدنی نیستند. روشن است که ارتباط انسان با موجودی نادیدنی بسیار پیچیده خواهد بود. پیچیدگی این ارتباط از آنجا بیشتر می‌شود که قرآن فرموده است او انسان‌ها را به گونه‌ای زیر نظر دارد که انسان‌های معمولی متوجه نظارت او نیستند (اعراف: ۲۷). این ارتباط، دارای گستره‌ای فراگیر است و همه زوایای جهان انسانی و ذهن، فکر و نهانی‌ترین گوشه‌های اندرون انسان را دربر گرفته و هیچ چیز، شیطان را از حضور مداوم و هرجایی با تک‌تک انسان‌ها باز نمی‌دارد بدون اینکه اشتغال به یکی سبب غفلت از دیگری شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۸، صص ۳۵-۳۶).

بنا بر آنچه در اهمیت، پیچیدگی و سرنوشت‌سازی این ارتباط گفته شد، تبیین قرآنی - ارتباط‌شناختی این موضوع می‌تواند در مباحث بنیادی اخلاق و تربیت فردی و اجتماعی و ارتباطات درون‌فردی و میان‌فردی و اجتماعی در حوزه‌های خانوادگی و فرهنگی و اقتصادی و به طور کلی در ساحت‌های خُرد و کلان جامعه اثرگذار باشد؛ اما متأسفانه علی‌رغم اهمیت این مسئله بنیادی، همانطور که علامه طباطبایی فرموده‌اند حتی تحلیل قرآنی - حدیثی ارتباط شیطان با انسان نیز مورد بی‌مهری قرار گرفته و این موضوع به عنوان پدیده‌ای پیش پا افتاده تلقی شده است (نک به: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۸، ص ۳۶) چه رسد به تحلیل‌های ارتباط‌شناختی.

با توجه به آن اهمیت و این کمبود، پژوهش فرارو با روش توصیفی - تحلیلی به تبیین ارتباط انسان و شیطان با رویکرد ارتباط‌شناختی پرداخته است. این تحقیق سعی کرده است آموزه‌های اسلامی با محوریت قرآن کریم و سپس روایات و در درجه سوم شارحان را برای دستیابی به هدف خود یعنی تبیین ارتباط انسان و شیطان به عنوان یک «فراگرد ارتباطی» مورد استقصا و تحلیل قرار دهد. بدین منظور اجزای این فراگرد از فرستنده، گیرنده، گونه‌شناسی پیام اضلال، عوامل اضلال، مجرای ارتباطی انسان و شیطان و اسباب توفیق در رمزگشایی درست از پیام شیطانی، تبیین شده‌اند و در مرحله بعد بر اساس این عناصر و اجزا مدلی از ارتباط انسان و شیطان ارائه شده و در پایان نیز با توجه به یافته‌های قبل، گونه ارتباط انسان و شیطان از میان انواع ارتباط مشخص شده است. بنابراین، پرسش‌های تحقیق به این شرح است:

۱. اجزای فراگرد ارتباطی در ارتباط انسان و شیطان چگونه تبیین می‌شود؟
۲. مدل فراگرد ارتباطی در ارتباط انسان و شیطان چگونه تبیین می‌شود؟
۳. با توجه به فراگرد مذکور و عناصر و مراحل آن، گونه ارتباط انسان و شیطان از کدام نوع از انواع ارتباطات است؟

تاکنون تحقیقات نه‌چندان زیادی درباره موجودیت شیطان و وسوسه شیطان و راه‌های مقابله با آن نوشته شده است؛ به عنوان نمونه، شهید بزرگوار آیت‌الله دستغیب در کتاب شریف «استعاذه» با اتخاذ رویکردی تربیتی در مواجهه با شیطان، به تفصیل در این زمینه

بحث کرده و برخی مقالات نیز در این حوزه‌ها نگاشته شده است (نک به: شکر، ۱۳۹۳؛ زارع و سلیمانیان، ۱۳۹۴)؛ اما طبق تتبع نگارنده تحقیقی که با رویکرد ارتباط‌شناختی به مسئله ارتباط انسان و شیطان پرداخته باشد و پرسش‌های این پژوهش را پاسخ‌یابی کرده باشد، یافت نشده است.

پژوهه فراور با محوریت آموزه‌های قرآنی نگاشته شده و علت استفاده محوری از قرآن کریم این است که از طرفی موضوع این نوشتار یعنی نگاه هستی‌شناختی به «شیطان» از مباحث کلامی است و در مباحث کلامی نیز آموزه‌های نقلی تنها زمانی کاربرد دارند که صدور آنها قطعی باشد یعنی هیچ‌گونه اشکال در سند آنها نباشد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، صص ۲۱۱ و ۲۱۲)؛ و از طرف دیگر، قرآن کریم، قطعی‌الصدور است و هیچ‌گونه تحریف [زیاده، نقیصه یا تبدیل] نیز در آن راه نیافته است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹، صص ۱۰۴ - ۱۳۳؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳)

۱. مبانی نظری و مفهومی

مبانی نظری و مفهومی تحقیق در پنج محور به این شرح است:

۱-۱. تعریف ارتباط به عنوان یک فراگرد

اکثر دانشمندان ارتباطات متفق هستند که ارتباط یک فراگرد^۱ است. فراگرد عبارت است از یک کنش متقابل و پویا^۱ که دارای امتداد است و اجزا و عناصر آن دارای تاثیر و تاثر هستند (رک: محسنیان‌راد، ۱۳۸۵، ص ۷۵).

1 . Process

برخی از تعبیر «فرآیند» به جای فراگرد استفاده کرده‌اند؛ اما از آنجا که ارتباط در مدل‌های پیشرفته آن که در مدل نظری این مقاله نیز از یکی از همین مدل‌ها استفاده شده یک جریان تعاملی (رفت و برگشتی) است، به همین جهت به نظر می‌رسد تعبیر «فراگرد» که توسط آقای دکتر محسنیان‌راد به کار رفته رساتر از فرآیند است؛ زیرا فرآیند به تعامل نظر ندارد بلکه به جریان تولید یک محصول در یک روند شامل ورودی و خروجی مشخص است؛ اما فراگرد به بازخورد یعنی وارد کردن خروجی‌ها و پس‌فرست‌ها به چرخه ارتباطی ناظر است.

همچنین ارتباط دارای تعاریف مختلفی است اما تعریف کارل هاوِلند از ارتباط می تواند زمینه مناسبی برای این تحقیق باشد: ارتباط عبارت است از فراگرد انتقال یک محرک (معمولاً علامت بیانی) از یک فرد (ارتباط گر) به دیگری (پیام گیر) به منظور تغییر رفتار او (محسنیان راد، ۱۳۸۵، ص ۴۴).

۱-۲. گونه های ارتباط

ارتباط دارای ساحت های مختلفی است و دو نوع از آن که برای پاسخ دادن به پرسش سوم از سوالات پژوهش فراور در این تحقیق دارای کاربرد است به اجمال معرفی می شود:

الف) ارتباط با خود^۲ که عبارت است از جریان تفهیم و تفاهم در درون خود (فرهنگی، ۱۳۷۴، ص ۱۲).

ب) ارتباط میان فردی^۳ که عبارت است از ارتباطی رودررو که شرکت کنندگان در آن اندک (معمولاً دو نفر) هستند نه گروهی بزرگ (هارجی، ساندرز و دیکسون، ۱۳۹۰، ص ۲۰).

۱-۳. مدل ارتباط شناختی تحقیق

ارتباط شناسان سعی کرده اند فراگرد ارتباط را در الگوهایی که «مدل»^۴ نام دارند تبیین کنند. یک تعریف دارای کاربرد از مدل سازی در پژوهش فراور عبارت است از به تصویر ساختار یا فرایندی از گذشته، حال یا آینده به عنوان بازنمایی نظری و ساده شده از جهان واقعی. مدل در ذات و طبیعتی که دارد نشان دهنده روابط است. (سورین و تانکارد، ۱۳۸۱، صص ۴۷ و ۶۵) در میان مدل های ارتباطی اولیه، الگوی شانون و ویور به عناصر ارتباط از جمله عناصر اغتشاش آور به خوبی توجه کرده است اما این مدل خطی است. نقیصه یادشده

۱. متقابل و پویا بودن این کنش، به معنای تعاملی بودن ارتباط است که در پاورقی قبل درباره فرآیند و فراگرد توضیح داده شد.

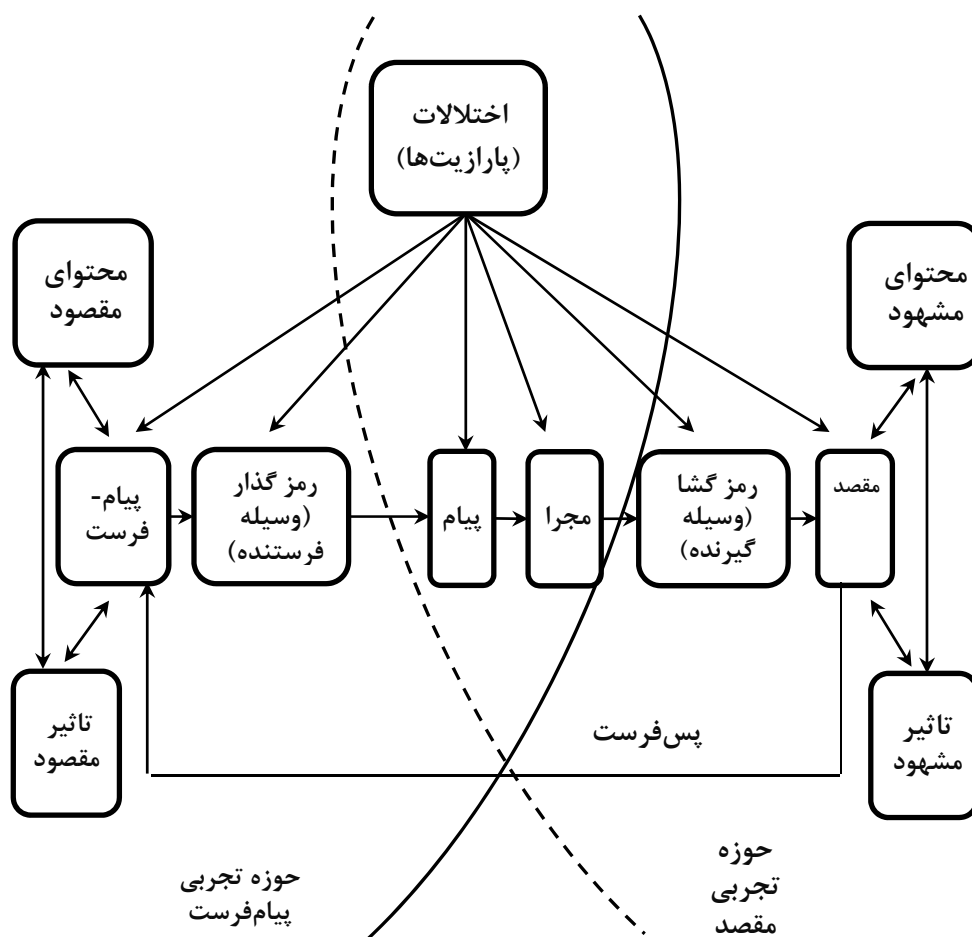
۲. Communication Intrapersonal
 ۳. Interpersonal Communication
 ۴. Model

در نظریات جدید که بر الگوهای تعاملی و پس‌فرست^۱ مبتنی هستند یعنی دو طرف ارتباط در آن فعال هستند، جبران شده است. (مایرز، ۱۳۸۳، صص ۳۴ - ۳۹). تعاملی بودن در مقابل خطی بودن است؛ به این معنا که ارتباط یکسویه نیست بلکه دارای رفت و برگشت است و گیرنده و فرستنده دارای تاثیر و تاثر هستند.

مبنای نظری این تحقیق، مدل‌های تعاملی ارتباط است که در بند قبل معرفی شد؛ و مدل ارائه شده در نمودار شماره ۱ بر اساس این مدل‌ها انتخاب شده است. از آنجا که این مدل باید ابزاری در خدمت تبیین نظریه قرآن کریم درباره ارتباط شیطان و انسان باشد نه قالبی برای گزینش و معنادهی به آیات، در ادامه تنها دو مفهوم از این مدل که آیات قرآنی در پژوهش فرارو به وجود این اجزاء شهادت داده‌اند و دارای ابهام نیز بوده‌اند، تبیین می‌شود: **اول؛** مفهوم پس‌فرست که عبارت است از پاسخ دیگران به ارتباط (مایرز، ۱۳۸۳، ص ۳۸۶).

دوم؛ عناصر اغتشاش یا پارازیت که عناصر اختلال‌ساز در فراگرد ارتباط هستند. وجود پس‌فرست و عناصر اغتشاش، الگوهای ارتباطی را به اوج تکامل که همان تعاملی بودن است رسانده‌اند. البته این الگو نمی‌تواند ارتباط انسان و شیطان را به طور کامل تبیین کنند و به همین جهت فراگرد ارتباطی انسان و شیطان بر اساس آیات قرآنی، در پایان بخش چهارم از یافته‌های تحقیق (۵-۳-۲- مدل فراگرد ارتباط انسان - شیطان) ارائه شده است.

۱. پس‌فرست، با بازخورد یا پس‌خوراند فرق دارد. پس‌فرست عبارت است از پاسخ و واکنش گیرنده به پیام که اگر فرستنده پیام خود را طبق این واکنش اصلاح کند و مجدداً پیام بازآفریده را ارسال کند، پیام نو را پس‌خوراند یا بازخورد می‌نامند؛ زیرا پیام را مجدداً به سیستم ارتباطی تزریق کرده است (محسنیان‌راد، ۱۳۸۵، ص ۳۵۲).



نمودار شماره ۱.
مدل ارتباطی تعاملی تحقیق (منبع: فرهنگی، ۱۳۷۴، ۶۰)

۴-۱. نگاهی کلی به موجودیت انسان از منظر قرآن کریم

انسان در آغاز خلقت خود دارای نفسی آگاه از خیر و شر است که نگارنده با الهام از قرآن کریم آن را «نفس سَوِيَّة» می‌نامد (الشمس: ۷ و ۸). این مرحله از گرایش‌های^۱ نفس، همان مرتبه آفرینش مادی نفس و تنزل آن به جهان ماده است که سرمایه رشد و مایه تباهی را با هم دارد. مقصد انسان نیز رسیدن به «نفس مطمئنه» یعنی عبودیت تامه است (الفجر: ۲۷-۳۰؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۲۸۶). در این میان دو گرایش در نفس انسان وجود دارد: گرایش اول انسان را به خاطر گناه و کوتاهی در عبادت نکوهش می‌کند و قرآن کریم، نفس را به این اعتبار «لَوامه» نامیده است (القیامة: ۲) و گرایش دوم انسان را به زشتی و گناه فرامی‌خواند و قرآن کریم به اعتبار این گرایش، نفس را «اماره» نام گذاشته است (یوسف: ۵۳). در ادامه انواع نفس (خود) از دیدگاه قرآن کریم تبیین می‌شود.

از منظر قرآن کریم، نباید انسان از هوای «خود» تبعیت کند (البقرة: ۸۷؛ الروم: ۲۹) و فردی که تابع هوای «خود» است گمراه‌ترین فرد است (القصص: ۵۰). اما از طرف دیگر قرآن کریم دستور داده است نسان نباید «خود» را فراموش کند (الحشر: ۱۹). بلکه همواره باید در پی مواظبت از خود (التحریم: ۶)، هدایت یافتن خود (المائدة: ۱۰۵) و پست نکردن خود (البقرة: ۱۳۰) باشد.

آن «خود» نخستین، همان هواهای نفسانی است که همتا و هم‌نشین شیطان است (نهج- البلاغة، ۱۴۱۴، ص ۴۱؛ دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۰۱) و عبارت است از گرایش نفس به ست پلیدی؛ اما این «خود» دوم، همان گرایش نفس به سوی معنویت است. بر اساس آیات قرآن کریم کسی که «خود» به معنای اخیر را فراموش کند، خدا را هم فراموش کرده و شیطان بر او «استحواذ» (= تسلط کامل) می‌یابد (المجادلة: ۱۹؛ الحشر: ۱۹).

۱. تعبیر «گرایش» در این نوشتار به جهت نام‌های مختلف نفس در قرآن به ار رفته؛ زیرا این تعدد نام‌ها، به جهت تعدد گرایش‌های نفس و نوع میل او است نه این که واقعاً انسان دارای چند نوع «خود» جدا از هم باشد (مصباح، ۱۳۸۸ (الف)، ج ۱، ص ۱۸۱).

۵-۱. نگاهی کلی به موجودیت شیطان از منظر قرآن کریم

شیطان در لغت یعنی دور از خیر (ابن درید، ۱۹۹۸، ج ۲، ۸۶۷). و فرو رفته در شر پیوسته (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ۲۳۹). شیطان در قرآن کریم در مورد ابلیس (به عنوان فرد ممتازی در میان شیاطین جن)، جنیان شرور و انسان‌هایی که شر در آنان پابرجا شده به کار رفته است (مصباح، ۱۳۸۸ (ب)، ص ۲۹۷).

ابلیس به عنوان اصل شیاطین از آتش آفریده شده (الأعراف: ۱۲؛ ص: ۷۶) و در زمرة جنیان است (الکهف: ۵۰؛ ص: ۷۴). او در آغاز دارای مقام والایی در عبادت بوده است که به خاطر سرپیچی متکبرانه از امتثال امر الاهی در سجده بر حضرت آدم (ع) از درگاه الاهی رانده شده و مستحق جاودانگی در جهنم شده است (الحجر: ۳۳ - ۳۵؛ الأعراف: ۱۲؛ الحشر: ۱۷؛ نهج البلاغة، ۱۴۱۴، ص ۲۶۷).

همه شیاطین جنی، مخلوق از اسم مضلّ (صدر المتألهین، ۱۹۸۱، ج ۶، ص ۳۸۴) و به تعبیر دیگر، مظهر اسم مضلّ (صدر المتألهین، ۱۳۶۰، ص ۱۴۴) و قهر و غضب الاهی هستند (صدر المتألهین، ۱۳۶۳، ص ۱۶۶). آنان آفریدگانی سراسر تیرگی و فرورفتگان در شر هستند که هیچ خیری در وجودشان یافته نمی‌شود (صدر المتألهین، ۱۳۶۳، صص ۱۵۱ و ۱۵۵).

ابلیس بر اساس مشیت خدای متعال در امتحان بشر (سبا: ۲۱)، مهلت گرفته است تا پایان حیات مادی بشر بر روی زمین فرصت داشته باشد و به وسوسه انسان‌ها پردازد (الحجر: ۳۶ - ۳۸). او با سوگند خود تصمیمی محکم بر فریب دادن فرزندان آدم گرفته (الاسراء: ۶۲؛ ص ۸۲) و البته خدای متعال نیز همواره انسان را از پیروی او بر حذر داشته (الأعراف: ۲۲؛ النور: ۲۱) و دشمنی آشکار او با بشر را به انسان گوشزد فرموده است (البقرة: ۱۶۸؛ الانعام: ۱۶۲). او مبدا اندیشه‌های نادرست و وسوسه و مکر و فریب و جلوه دادن حق در لباس باطل و باطل در لباس حق و انواع گناهان رفتاری و شرارت‌بار است (صدر المتألهین، ۱۳۶۳، ص ۱۹۳) و هر جا جریان حق حضور دارد، شیطان نیز در کنار آن حضور می‌یابد و سعی می‌کند در آن اخلال ایجاد کند (الأعراف: ۱۶؛ غزالی، ۱۴۱۶، ص ۱۹۶).

روش فریبکاری شیطان نیز چنین است که زشتی را زیبا و باطلی را حق نشان می‌دهد (الحجر: ۳۹؛ ص: ۸۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۸، ص ۴۱).

۲. یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق در چهار مبحث اصلی ارائه می‌شوند. مبحث اول، زمینه برای تبیین سایر مباحث است و مباحث دوم تا چهارم، متکفل پاسخ به سه پرسش تحقیق هستند.

۲-۱. عناصر تقابل‌شناختی شیطان و یاران او با حزب الله

هیچ تک‌نشانه‌ای معنا ندارد جز در یک بافت کلی و با در نظر گرفتن تفاوت‌ها و تمایزهای آن با دیگر نشانه‌ها (اسمیت، ۱۳۸۷، ص ۱۶۳؛ مهدی‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۱۰۳)؛ به این معنا که در یک نظام نشانه‌شناختی، اجزای نظام از راه تقابل با هم تعریف می‌شوند. از این منظر، اساسی‌ترین عملیات مغز انسان در تولید و درک معنا همان تقابل‌ها است و معنا جز با تقابل درک نمی‌شود (آسابرگر، ۱۳۸۷، صص ۴۱-۴۰).

این تقابل‌ها در نظام ادراکی و جهان بیرونی هر دو وجود دارند. طبق رهیافت یادشده، تبیین نگرش تقابل‌شناسانه از موجودیت شیطان و تقابل‌های او در قرآن کریم، علاوه بر ایجاد شناخت دقیق‌تر نسبت به شیطان، زمینه را برای تبیین‌های تحقیق فراهم می‌کند. این زمینه‌سازی، در مقاله فرارو در مبحث رمز‌گشایی از پیام شیطان (۳-۴-۲-۲- رمز‌گشایی از پیام شیطان) و نیز در تعیین گونه ارتباط انسان و شیطان (۴-۲- گونه‌شناسی فراگرد ارتباط انسان با شیطان) کاربرد دارد.

اصلی‌ترین صحنه تقابل شیطان، تقابل با خدای متعال به عنوان تقابل آغازین در جدا شدن از صف «سجده‌کنندگان» است (الحجر: ۳۱-۳۰). این تقابل بین دو جناح یعنی «جناح خدا» و «جناح شیطان» رخ داده است. تعبیر جناح خدا و شیطان، برگرفته از قرآن کریم است که خدای متعال، رسول او و مومنان را «حزب الله» نامیده (المائدة: ۵۶) و آنان که به دره «استحواذ» که در مباحث بعد تبیین خواهد شد (نک به: ۳-۲-۲-۲- نقش توفیق و

تقابل‌شناسی شیطان با محوریت دو جناح یادشده در بند قبل در چهار محور به شرح زیر تبیین می‌شود:

انبیاء و اوصیاء (ع) و نیز مومنین متحد، لشکریان الاهی در مقابل شیطان و لشکریان او یعنی شیاطین جنی و انسی هستند. این تقابل در مبحث رمزگشایی از پیام شیطان (۳-۴-۲-۲- رمزگشایی از پیام شیطان) تبیین خواهد شد.

۲-۱-۳. تقابل پیروی شرع با پیروی نفس

قرآن کریم، هوای نفس را از عوامل گمراهی انسان معرفی فرموده است (مصباح، ۱۳۸۸ (الف)، ج ۱، ص ۱۷۵). در برخی روایات، هوای نفس در مقابل هوای خدا (تعبیر از روایت است) که همان میل و اراده الهی است قرار دارد (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۰۴؛ حرعاملی، ۱۳۸۰، ص ۳۸۷). شرع نیز تجلی میل و اراده الهی در امور غیرتکوینی یعنی همان افعال اختیاری انسان است.

۲-۱-۴. تقابل الهام با وسوسه

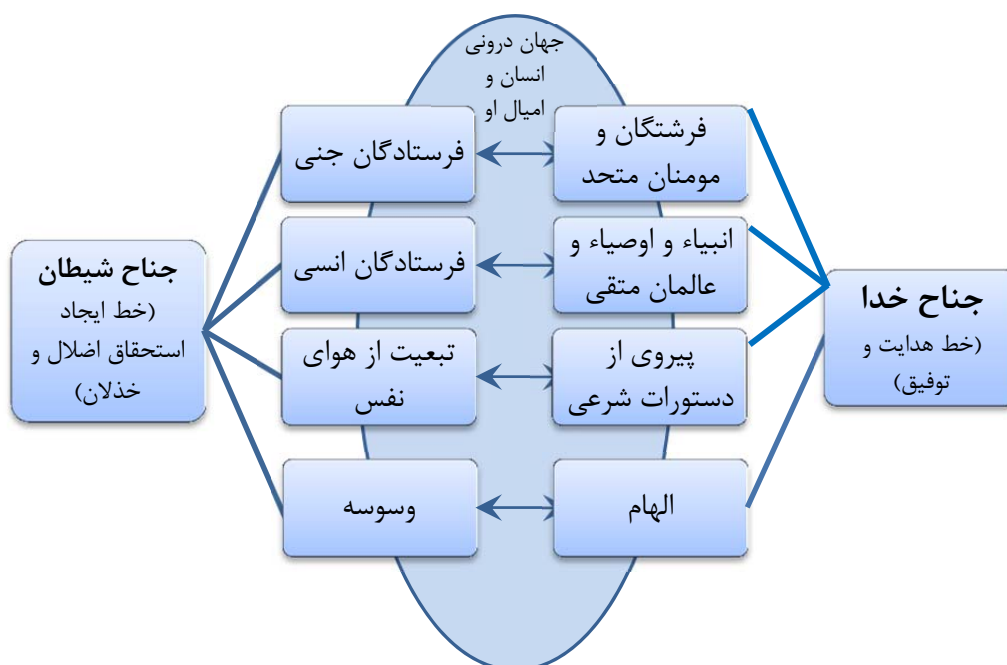
از مهم ترین کنش های شیطان در ارتباط با انسان، وسوسه و گمراهی است که در مباحث بعد تبیین خواهند شد. آنچه در این مبحث مهم است این است که سبب وسوسه، شیطان و سبب الهام، فرشته است (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۹، ص ۲۲۱؛ صدرالمألهین، ۱۳۶۳، ص ۱۵۲). توضیح این دو گونه سببیت چنین است: هرگاه انسان میل به گناه کند، شیطانی نیز با اوست که ترغیش می کند و فرشته ای همراه اوست که نهیش می کند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۶۷). این فرشته و شیطان از هنگام تولد با انسان همراه هستند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۰، ص ۲۹۸؛ ابن حنبل، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۴۰).

در برخی روایات، به جای فرشته نهی کننده از بدی، تعبیر «روح الایمان» وجود دارد. طبق این روایات، هرگاه انسان میل به گناه کند، روح ایمانی او نهیش می کند و شیطان همراه، ترغیش می کند؛ و اگر مرتکب گناه شود روح ایمان از او جدا شده و اگر توبه کند باز می گردد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۶۷). ترکیب دلالتی این دو روایت، این است که روح الایمان با فرشته همراه است (طباطبایی، بی تا، ص ۱۴۳). همچنین شیطان در خون انسان جاری است و بر وسوسه کردن او مسلط است. در مقابل، خدای متعال نیز نیکی را تا ده برابر فرونی می دهد و تا زمان مرگ نیز توبه انسان را همواره قبول می کند (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۷، ص ۴۳۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۷۱).

همانطور که تک تک این گزاره ها نشان دادند، بستر شکل گیری ارتباط تقابلی خدا و شیطان همان جهان درونی انسان و امیال او است. این جهان درونی، در مبحث پنجم از

بخش دوم یافته‌های تحقیق (۲-۲-۳- مجرای ارتباطی شیطان - انسان) بیشتر توضیح داده خواهد شد.

این عناصر تقابلی که تاکنون توضیح داده شدند، در نمودار شماره ۲ در دو جناح اصلی یعنی «جناح خدا» و «جناح شیطان» و عناصر فرعی هریک ارائه شده است. این دو جناح در این نمودار، «خط هدایت و توفیق» و «خط خذلان و اضلال» نامیده شده‌اند. خذلان و توفیق از مفاهیم بسیار مهم در فراگرد ارتباطی شیطان و انسان است که در همین نوشتار (۲-۲-۳- نقش توفیق و خذلان در ارسال و دریافت پیام گمراهی) تبیین خواهند شد.



نمودار شماره ۲

عناصر تقابل شناختی شیطان و یاران او (منبع: نگارنده)

۲-۲. تبیین اجزای فراگرد ارتباط شیطان - انسان

این مبحث در چهار قسمت ارائه خواهد شد: تبیین وسوسه و محتوا و گونه‌شناسی آن به عنوان پیام گمراهی در این فراگرد، فرستنده و گیرنده پیام گمراهی، مجرای ارتباطی شیطان - انسان، نظام رمزگان ارتباط انسان - شیطان.

۲-۲-۱. وسوسه به عنوان پیام گمراهی

وسوسه در لغت عبارت است از سخن پنهانی آمیخته با اصوات دیگر (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۲۵۵) و در اصطلاح عبارت است از خطورات ذهنی و قلبی دعوت‌کننده به بدی (نراقی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۸؛ مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۹، ص ۲۲۱) و علت اینکه وسوسه که در اصل لغت به معنای سخن پنهانی است بر خطورات ذهنی اطلاق شده این است که اندیشه‌ها و افکار انسان در واقع سخن گفتن درونی اوست و به همین جهت علم منطق که قانون تفکر است را منطق نامیده‌اند که از نطق (سخن گفتن) ساخته شده است.

انسان در اصل فطرت، استعداد قبول آثار الهامی فرشتگان و وساوس شیاطین هر دو را به شکل مساوی دارد و خود او است که با تبعیت از هوای نفس ممکن است وساوس را پذیرا شود و رو به سقوط آورد (الشمس: ۷ و ۸؛ البلد: ۱۰؛ انسان: ۳؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۵، ص ۱۶۲). تبیین ابعاد پیام گمراهی در دو محور به شرح زیر است:

۲-۱-۲. تبیین تقابل شناختی محتوای پیام گمراهی (وسوسه)

پیام گمراهی شیطان (وسوسه) محتواهای متنوعی دارد که در تقابل با پیام عناصری از جناح خدای متعال قرار دارند. تبیین تقابل‌شاسانۀ محتوای پیام شیطان از مباحث مهم در فراگرد ارتباط انسان و شیطان است؛ زیرا همانطور که در ابتدای مبحث اول از یافته‌ها (۱-۲- عناصر تقابل‌شناختی ...) گفته شد، درک عناصر متقابل با این پیام‌ها در درک خود پیام‌ها (وسوسه‌ها) موثر است و از طرف دیگر، درک این تقابل در درک روش مبارزه با وسوسه‌ها و رمزگشایی از پیام شیطانی نیز کاربرد مهمی دارد. این عناصر متقابل در جدول شماره ۱ ارائه شده‌اند.

جدول شماره ۱. پیام گمراهی (وسوسه) و تقابل‌های حاصل از آن		
ردیف	محتوای پیام شیطانی	عناصر متقابل با پیام شیطان
۱	ترساندن مومنان از فقیر شدن در اثر انفاق (البقرة: ۲۶۸)	وعدة الاهی در بازگشت مال و بلکه افزونی آن در دنیا و آخرت (بقره: ۲۴۵ و ۲۶۸). (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۲) ↔
۲	رها کننده و خذلان بخش پیروان خود (الحشر: ۱۶)	خدای متعال: خارج کننده مومنان از ظلمات به نور (البقرة: ۲۵۶). و یاری گر مومنان (الروم: ۴۷) ↔ فرشته: مؤید و مسدد مومنان (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۶۷) و یاریگر آنان (بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۷۴) و نابود کننده دشمنان ایمانی آنان (آل عمران: ۱۲۵)
۳	ایجاد دشمنی خانوادگی و اجتماعی بین مردم (المائدة: ۹۱؛ یوسف: ۱۰۰؛ الإسراء: ۵۳). و همراه شدن با فرد دور از اجتماع مومنین (نهج البلاغة، ۱۴۱۴، ص ۳۱)	خدای متعال: همراهی با جماعت مومنان متحد (نهج البلاغة، ۱۴۱۴، ص ۳۱) فرشته: همراهی نمودن هزاران فرشته با مومنی که به دیدار مومن دیگر برود (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۸۶) ↔ مومنان متحد: که شیطان از آنان دور می شود (نک به: الانفال: ۴۶؛ الحشر: ۱۴ - ۱۶؛ نهج البلاغة، ۱۴۱۴، ص ۳۱؛ بخاری، ۱۴۳۱، ص ۴۸۸؛ طبرانی، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۱۴۵)
۴	وعدة فریبنده و دروغ (النساء: ۱۲۰؛ ابراهیم: ۲۲)	وعدة حق الاهی در یاری مومنان و سرانجام نیک برای اعمال صالح ↔

	(ابراهیم: ۲۲)	
۵	دشمن انسان (البقرة: ۱۶۸). خصوصاً مومنان (بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۷۴) ↔ رسول خدا: رحمت فراوان به همه مردم (البقرة: ۱۴۳) خصوصاً مومنین (توبه: ۱۱۷). (الانبیاء: ۱۰۷) و رفت خاص نسبت به مومنین (التوبه: ۱۲۸) فرشته: رثوف بر مومنان (الشوری: ۵)	خدا: متعال: رفت فراوان به همه مردم (البقرة: ۱۴۳) (التوبه: ۱۱۷). رسول خدا: رحمت فراوان به همه مردم (الانبیاء: ۱۰۷) و رفت خاص نسبت به مومنین (التوبه: ۱۲۸) فرشته: رثوف بر مومنان (الشوری: ۵)
۶	نزول بر قلب گناهکاران بسیار آلوده (الشعراء: ۲۲۰ - ۲۲۱) ↔ فرشته: بر مومنان راستین نازل می شوند (فصلت: ۳۰)	
۷	گمراه کردن و دعوت به بدی و گناه با وسوسه در قلب (النور: ۲۱؛ الانعام: ۱۲۱؛ آل عمران: ۱۵۵؛ طباطبایی، بی تا: ص ۱۴۵؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۶۶؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۲۱) ↔ گناه (آل عمران: ۱۶۴) فرشته: هدایت گر و الهام بخش رفتارهای نیک در قلب (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۶۷؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۶۶؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۲۱) عالم متقی که ارشاد خود و دیگر مومنان را بر عهده گیرد و وجودش بر شیطان بسیار گران است (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۳۶۶)	گمراه کردن و دعوت به بدی و گناه با وسوسه در قلب (النور: ۲۱؛ الانعام: ۱۲۱؛ آل عمران: ۱۵۵؛ طباطبایی، بی تا: ص ۱۴۵؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۶۶؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۲۱)
۸	تلاش برای گمراه کردن مومن به خدا: متعال: تثبیت مومن هنگام مرگ ↔	

هنگام مرگ (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۳۴؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۲۵) رسول خدا: رفتن به بالین محضر و شاد کردن او برای جان دادن آسوده (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۳۳) رافت بر مومن هنگام مرگ (مفید، ۱۴۱۳، ص ۳۴۶). که این فرشتگان رؤوف، غیر از قابض روح هستند.	(ابراهیم: ۲۷). (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۳۵)
---	--

۲-۲-۱-۲. گونه‌شناسی پیام گمراهی (وسوسه)

طبق ظاهر قرآن کریم، وسوس شیطانی منحصر در دو چیز است: اول، گناه که زشتی و فحشاء است و دوم، گفتن (به معنای گفتن همراه با اعتقاد یافتن) سخنی که انسان به آن علم ندارد (البقرة: ۱۶۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۱۹). اما آیات مختلفی وجود دارد که ابعاد جزئی‌تر از این دو محور را به مومنان معرفی کرده است. جزئیات این دو محور در جدول شماره ۲ ذکر شده است.

جدول شماره ۲. محورهای تفصیلی وسوسه شیطان از منظر قرآن کریم	
ردیف	نوع دعوت و وسوسه
۱	تزین آن‌چه بر روی زمین است (الحجر: ۳۹).
۲	زیبا نشان دادن رفتار زشت (الأنعام: ۴۳؛ الأنفال: ۴۸)
۳	امر به گناه (البقرة: ۱۶۹)
۴	امر به رفتار زشت (البقرة: ۱۶۹)
۵	امر به نسبت دادن سخن نادانسته به خدا (البقرة: ۱۶۹)
۶	دعوت به تبذیر (الاسراء: ۲۷)
۷	دعوت به سخن بد گفتن (الاسراء: ۵۳)

۸	به غفلت و فراموشی کشاندن انسان نسبت به عبادات و یاد خدا (الفرقان: ۲۹)
۹	دعوت به تکبر و تعصب (البقرة: ۳۴؛ آمدی، ص ۱۶۳)
۱۰	ترساندن از فقر و منع انفاق (البقرة: ۲۶۸)
۱۱	باز داشتن از یاد خدا (الأنعام: ۶۸)
۱۲	فراخواندن به جدال در مورد امور ندانسته در برابر حق (الحج: ۳)
۱۳	دعوت به عدم تسلیم در برابر خدا (البقرة: ۲۰۸)

۲-۲-۲. فرستنده و گیرنده پیام گمراهی (وسوسه)

از مباحث بسیار مهم در تبیین فراگرد ارتباط انسان و شیطان، تعیین فرستنده و گیرنده پیام گمراهی است. این مبحث به جهت تعارض ظاهری آموزه‌های دینی در تعیین فرستنده، دارای پیچیدگی خاصی است که در سه محور زیر تبیین می‌شود:

۲-۲-۲-۲. انتساب ارسال وسوسه به نفس و شیطان هردو

قرآن کریم، عوامل گمراهی انسان را «دنیا»، «هوای نفس» و «شیطان» دانسته است (یوسف: ۱۸؛ طه: ۹۶؛ ابراهیم: ۲۲؛ ق: ۱۶؛ الناس: ۵-۴؛ مصباح، ۱۳۸۸(الف)، ج ۱، ص ۱۷۵) و گاهی یک نوع گمراهی که همان «تسویل» (آرایش باطل در لباس حق) باشد را هم به نفس نسبت داده و هم به شیطان (یوسف: ۱۸ و ۱۰۰؛ محمد: ۲۵). اما باید توجه کرد که این آموزه‌ها دارای تعارض نیستند؛ زیرا شیطان نیز گرچه عاملی مستقل از هوای نفس است، اما

اولاً، او تنها در حد فراخواندن و نه اجبار بر انسان ولایت دارد مگر این که کسی خود از او تبعیت کند (ابراهیم: ۲۲؛ الحجر: ۴۲؛ النحل: ۱۰۰؛ ق: ۲۷؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۸، ص ۴۱؛ مصباح، ۱۳۸۸(ب)، ج ۳۰۲)؛

ثانیاً، او نمی‌تواند مستقل از هوای نفس کاری کند بلکه همان هواهای نفس را تایید می‌کند (مصباح، ۱۳۸۸(الف)، ج ۱، ص ۲۰۹).

هوای نفس و دنیا نیز دو امر مستقل از هم نیستند بلکه دنیا موضوع هوای نفس است که عبارت است از تعلق‌های ناشایسته و مانع آخرت (مصباح، ۱۳۸۸ (الف)، ج ۱، ص ۲۰۴)؛ زیرا مقتضای جهان خاکی و طبیعت مادی بشر، وجود غرائز سرکش و شهوات و درگیری اجتماعی او با هم‌نوع و در نتیجه استعداد فساد و گناه است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۱۵)؛ پس انسان در درون خود توانمندی تولید افکار و تصمیم‌های نادرست را دارد. از طرف دیگر، انسان آلوده به هوای نفس که امیال خود را کنترل نکرده است، مورد وسوسه شیطان نیز قرار دارد (صدرالمألهین، ۱۳۶۳، ص ۱۵۹).

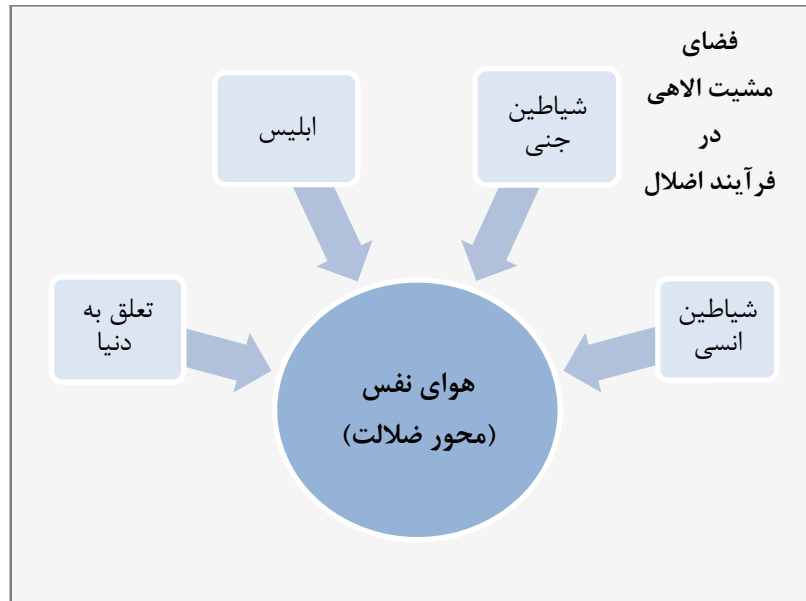
از منظر انسان‌شناختی نیز نفس، همتا و هم‌نشین شیطان است؛ همانطور که در حدیث شریف معراج به این مسئله تصریح شده است (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۰۱).

۲-۲-۲-۲. عناصر محوری و پیرامونی ارسال پیام گمراهی

دیدگاه قرآنی درباره عوامل فرآیند اضلال، تا کنون نفس اماره را به عنوان محور فرآیند اضلال و شیطان را به عنوان عامل دعوت‌کننده به سوی مسیر گمراهی معرفی نمود. نفس اماره در سه ساحت با شیطان در تعامل است که عبارت‌اند از: همراهی با انسان از هنگام تولد؛ به این معنا که در وجود مادی انسان، گرایش‌هایی وجود دارد که قابلیت استفاده‌های نادرست نیز دارند که همان مقتضای شهوت و غضب است (البقره: ۳۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۱۶)، دشمنی با انسان (ورام، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۵۹؛ ابن‌فهد، ۱۴۰۷، ص ۳۱۴)، دعوت به گناه و بدی (یوسف: ۵۳؛ دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۰۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۹۱، ص ۱۴۳).

همانطور که شیاطین انسی هم در وسوسه و دعوت به بدی و گمراه نمودن انسان نقش دارند (الناس: ۶؛ قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۵۰). از طرف دیگر، اضلال شیطان، فرع مشیت خدای متعال در امتحان بشر است (سبا: ۲۱). خدای متعال، شیاطین را سرپرست افراد بی‌ایمان (الأعراف: ۲۷) و همنشین افراد روگردان از یاد خدا (الزخرف: ۳۶) قرار می‌دهد؛ همانطور که خود سرپرست افراد مومن است و آنان را از ظلمت‌ها به سوی نور می‌برد (البقره: ۲۵۷).

محوریت نفس در فرآیند اضلال و نیز عوامل جانبی و زمینه‌ مشیت الاهی در کل این فرآیند که تا کنون توضیح داده شدند، در نمودار شماره ۳ ارائه شده است.



نمودار شماره ۳. عوامل اضلال با محوریت نفس

۳-۲-۲-۲. نقش توفیق و خذلان در ارسال و دریافت پیام گمراهی

در تنازع میان شیطان و انسان، لطفی الاهی انسان را برای قبول الهام آماده می‌کند که توفیق نام دارد و چیزی که انسان را برای وسوسه آماده می‌کند خذلان نام دارد (صدرالمآلهین، ۱۳۶۳، ص ۱۵۴). این دو عنصر در مدل ارتباطی تحقیق که در مبانی نظری ارائه شد، جایی نداشتند. خذلان، همان مشیت الاهی در سپردن افراد بی‌ایمان به دست وسوسه شیطان است (الأعراف: ۲۷؛ مریم: ۸۳) و هرچه انسان در گناه و تبعیت شیطان و نفس بیشتر فرو رود، بیشتر به خذلان مبتلا می‌شود و اگر به مرتبه‌ای برسد که یاد خدا را به کلی فراموش کند و همواره در گناه باشد، در اینجا قلب او ربط محکمی با شیاطین می‌یابد و به تعبیر قرآن کریم دچار «استحواذ» می‌شود یعنی شیطان به طور کامل بر او مسلط شود و

داخل در حزب شیطان می‌گردد و شیاطین به او القای معانی می‌کنند (الشعراء: ۲۲۲ و ۲۲۱؛ الانعام: ۱۲۱؛ المجادلة: ۱۹).

باید توجه داشت که استحواذ در طول زمان و در پی انجام گناهان متعدد و توبه نکردن رخ می‌دهد. توضیح اینکه انسان در پی فراخوانده شدن توسط شیطان به گناه، امیال گناه‌آلودی که در درون دارد تقویت می‌شوند و به سمت آلودگی‌ها میل می‌کند و در گناه می‌افتد (صدرالمثلهین، ۱۳۶۳، ص ۱۵۶). گناهان نیز به نوبه خود قلب را به تیرگی و آلودگی مبتلا کرده و در نتیجه برای پذیرش وسوسه بیشتر شیطان در مراحل بعد، آمادگی می‌یابد (صدرالمثلهین، ۱۳۶۳، ص ۱۵۲). به همین جهت قرآن کریم، لغزیدن در دام شیطان را محصول گناهان پیشین (آل عمران: ۱۵۵) و روگرداندن از یاد خدا (الزخرف: ۳۶) می‌داند. این گناهان، همان تبعیت از هوای نفس است که فرد را به گناهان بعد که مترتب بر این تبعیت است می‌کشاند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۵۰).

در صورتی که انسان در مسیر بندگی حقیقی استقامت ورزد، توفیق الاهی به گونه‌ای شامل او می‌شود که در زمرة «مخلصین» درآید که خدای متعال آنان را مصون از شیطان معرفی فرموده و شیطان نیز آنان را مبرا از تأثر از وسوسه و اضلال خود دانسته است (ص: ۸۲ و ۸۳؛ الحجر: ۴۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، ص ۱۶۶؛ نهج البلاغه، ۱۴۱۴، ص ۱۱۹)؛ زیرا ریشه وسوسه در انانیت و غفلت است و کسانی که به یکی از مراتب مخلصیت (به فتح لام) رسیده باشند، تنها ذات یا اسم یا فعل خدا را مشاهده می‌کنند و به همین جهت خودبینی در آن‌ها نمی‌ماند (طباطبایی، بی‌تا: ص ۱۵۰) و کسی که دارای خودبینی نباشد نیز فارغ از وسوسه شیطان خواهد شد.

۲-۳. مجرای ارتباطی شیطان - انسان

شیطان، از پیش و پس و چپ و راست یعنی به صورت همه جانبه برای اغوای انسان به او حمله‌ور شده است (الأعراف: ۱۷). او مانند^۱ خون که در رگ‌های انسان جاری است،

^۱. تفسیر تشبیهی (مانند خون) از این روایات طبق این مبنا است که در «أَجْرِيَّتُهُ مِنِّي مَجْرَى الدَّمِ» تعبیر «مجرى الدم»، مفعول مطلق باشد؛ اما ممکن است آن را ظرف بدانیم همانطور که برخی بزرگان

در همه لایه‌های وجود انسان نفوذ دارد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۶۷؛ ابن‌عساکر، ۱۴۱۵، ج ۷، ص ۴۳۹)؛ اما در عین حال، آرام و قدم به قدم انسان را وسوسه می‌کند (بقره: ۱۶۸). ارتباط شیطان با انسان، در درون وجود انسان و در قلب او صورت می‌گیرد (الناس: ۵-۴) که قرآن کریم در برخی تعبیرات خود که همگی ناظر به درونی بودن این ارتباط هستند، ارتباط شیطان با درون انسان را «وَحی شیطان» (الأنعام: ۱۲۱)، «القای شیطان» (الحج: ۵۲) و «وسوسه شیطان» (الأعراف: ۲۰؛ طه: ۱۲۰؛ الناس: ۵) نام نهاده است.

در چگونگی این ارتباط قلبی روایاتی وارد است که آن را دَمِش شیطان در «گوش قلب» انسان معنا کرده‌اند. این روایات، قلب انسان را دارای دو گوش معرفی فرموده‌اند که الهام فرشته در یک گوش و وسوسه شیطان در گوش دیگر او وارد می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۶۷). این شیطان اغواگر، وجودی مثالی [یعنی دارای حجم اما فاقد جرم] دارد که با گوش قلب انسان سخن می‌گوید و این فقط یک نوع سخن گفتن درونی است که در حال وسوسه انسان آن را درک می‌کند (طباطبایی، بی‌تا، ص ۱۴۳).

۲-۲-۴. نظام رمزگان ارتباط انسان - شیطان

در این بخش از مقاله، ابتدا نظام رمزگان توضیح داده می‌شود و پس از آن این نظام در ارتباط شیطان - انسان تبیین خواهد شد و در نهایت، روش رمزگشایی از این نظام ارائه می‌شود.

۲-۲-۴-۱. نظام رمزگان

همانطور که در نمودار شماره ۱ در مبانی نظری گفته شد، هر ارتباط محصول فرستادن یک پیام و گرفتن آن است و پیام نیز اجزائی دارد که مجموعه‌ای از معنا و قالبی که معنا در آن قرار داده شده است، از اجزای یقینی پیام است. قالبی که معنا در آن قرار

معتقدند (سعادت‌پرور، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۵۸) که در این صورت، حقیقتاً شیطان در رگ‌های انسان نفوذ خواهد داشت. در این صورت معانی لطیف دیگری از آن قابل استنباط است که مبتنی بر تحقیق در ارتباط وحدانی جسم و نفس خصوصاً در مشرب حکمت متعالیه و عرفان نظری است.

داده شده است را کد^۱ می‌نامند که در زبان فارسی به رمز ترجمه شده گرچه رمز نیز عربی است نه فارسی (رک: محسنان راد، ۱۳۸۵، صص ۱۹۲ - ۱۸۹).

نظام رمزگان عبارت است از رمز، رمزگذاری و رمزگشایی. رمزگذاری و رمزگشایی از پیام که از اجزای مدل‌های ارتباطی از جمله الگوی ارائه شده در چارچوب نظری این تحقیق هستند، عبارت است از تبدیل معنا در قالب رمز یا تفسیر رمز و برگردان آن به صورت معنا. به عنوان مثال در ارتباط کلامی، معنایی مانند «کیفیتی در سرکه و مانند آن که دهان را قبض می‌کند» با لفظ «ترشی» یاد می‌شود و این لفظ، رمز و کد برای آن معنا است. رمز می‌تواند لفظ یا عبارت مکتوب یا نمادهای تصویری یا اشارات بدنی و ... باشد.

۲-۲-۴-۲- اجزای نظام رمزگان در ارتباط انسان - شیطان

از مجموع روایات و ادله عقلی استفاده می‌شود که هر کس شیطانی دارد و در ذیل او، به تعداد گناهان و معاصی شیاطین وجود دارند که سربازان آن شیطان هستند (صدرالمآلهین، ۱۳۶۳، صص ۲۱۱ - ۲۱۰؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۵، صص ۱۶۳ - ۱۶۲) و شیطان هر کس را به گونه‌ای خاص وسوسه می‌کند که مناسب حال او است (صدرالمآلهین، ۱۳۸۱، صص ۱۱۸ - ۱۱۷).

درباره نگرش قرآنی و روایی به حقیقت رمزهای پیام شیطان و گونه‌های رمزگذاری پیام توسط او بیش از این چیزی به دست نیامد. گویا درک این مقوله فراتر از ادراک معمولی بشر و الفاظ متعارف است و فهم آن نیاز به شکوفایی حواس باطنی انسانی دارد و به همین جهت در نصوص دینی کمتر مورد تبیین قرار گرفته است.

۳-۲-۴-۲- رمزگشایی از پیام شیطان

موفقیت انسان در رمزگشایی از پیام شیطانی و درک آن، رهین عواملی خاص است که بدون غور در تقدم و تاخر یا روابط پیچیده درون این مولفه‌ها به آنان اشاره می‌شود:

(الف) یاد خدا در لحظات ابتلا به وسوسه شیطان [یادی عملی که با نفس و شیطان مبارزه کند] که در پی آن بصیرت و روشن بینی نصیب انسان خواهد شد (الأعراف: ۱۰۷). در مقارنه این بند با بند بعد، معنای تفسیری یاد خدا از منظر قرآن روشن خواهد شد.

(ب) تقوای پیوسته که در لحظات مواجهه با شیطان به مومن بصیرت می دهد (الأعراف: ۲۰۱). این بصیرت، در برخی روایات قدسی، با عنوان علومی ظریف و دقیق تعبیر شده است که راه های نفوذ شیطان را به انسان یاد می دهد (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۰۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۲۶، ص ۱۵۰).

(ج) پناه بردن به خدا (الأعراف: ۲۰۱؛ المومنون: ۹۷؛ طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۵۶). این پناه بردن، تنها لفظ نیست بلکه به نظر می رسد دارای دو رکن است: اول، متوجه خدا بودن و انقطاع الی الله و فقط از او یاری جستن و طلب حفظ نمودن (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۹۱، ص ۱۴۱). دوم، صبر و مجاهده با نفس که از امور ضروری و لازم برای غلبه بر باطل و رسیدن به حق است (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۱۰).

(د) بر اساس آیات و روایات فریقین، اتحاد با مومنان و الفت و انس با آنان زمینه بسیاری از وساوس را (نه فقط در امور اجتماعی بلکه در اعتقادات و اخلاق و رفتار فردی) از بین می برد و کمک فردی و اجتماعی و فکری و معنوی آنان در این راستا نصیب مومن می شود و او را از انحرافات فراوانی حفظ می نماید؛ همانطور که جدا شدن از مومنین، فرد را مورد طمع شیطان خواهد کرد (نک به: الأنفال: ۴۶؛ الحشر: ۱۶ - ۱۴؛ نهج البلاغة، ۱۴۱۴، ص ۳۱؛ بخاری، ۱۴۳۱، ص ۴۸۸؛ طبرانی، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۱۴۵).

عنایت و تایید الاهی که در مبانی نظری از آن سخن گفته شد و نیز الهام های فرشتگان که خادمان پیامبر و ائمه هدی (ع) و شیعیان واقعی آنان هستند (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۵۴) و در گرفتاری ها با توسل به ائمه هدی فرشتگان به یاری مومنان آمده و شیاطین را از آنان دور می کنند (بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۷۴) نیز از جمله عوامل مهم در

توفیق انسان در رمزگشایی از پیام‌های شیطانی^۱ است. به طور کلی مباحثی که در تقابل شناسی ارائه شد، در این زمینه بسیار کاربرد دارند.

۲-۳. مدلسازی فراگرد ارتباط شیطان - انسان

در این قسمت از مقاله، مدل ارتباطی انسان و شیطان تبیین و تصویر می‌شود. پیش از تبیین این مدل، لازم است ماهیت رفت و برگشتی ارتباط انسان و شیطان که نقش مهمی در تبیین مدل دارد مشخص شود و پس از آن، مدل یادشده در سه محور بر اساس دریافت پیام و ارسال پس‌فرست، تبیین شده و در نهایت در یک مدل فراگردی ارائه می‌شود.

۲-۳-۱. تجاذب انسان در میان جناح شیطان و خدا

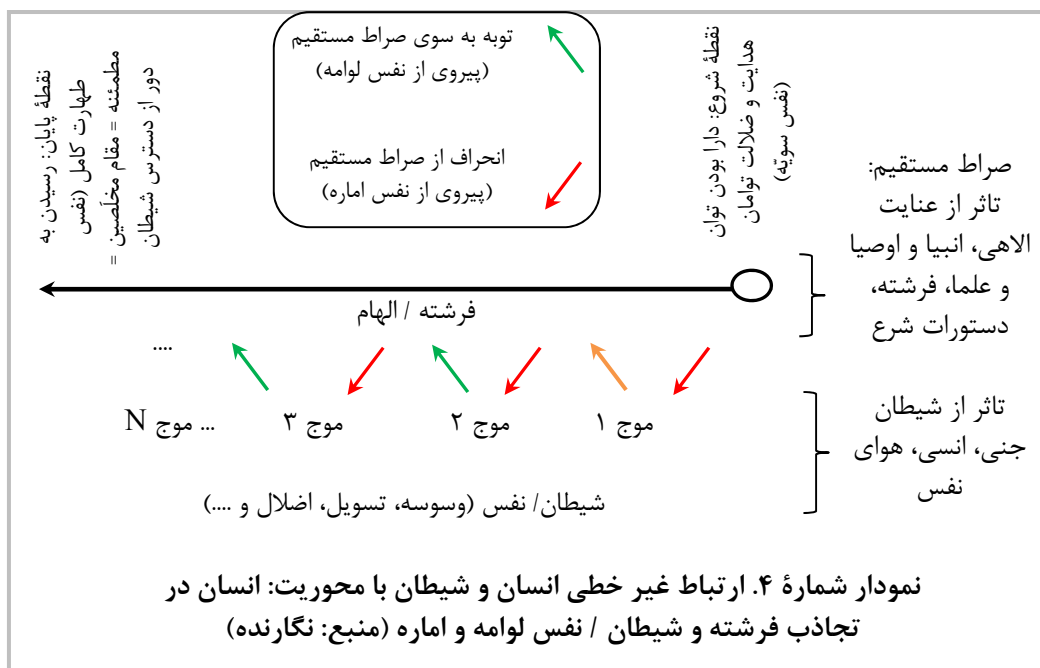
شروع حرکت انسان در داستان زندگی معنوی او، با نهی الاهی از تبعیت شیطان و نفس رقم می‌خورد (فاطر: ۶؛ الزخرف: ۶۲). این نهی توسط بسیاری از انسان‌ها که معصوم نیستند نقض می‌شود (الأعراف: ۱۷۱؛ ص: ۸۴-۸۲؛ یس: ۶۰) و خط سیر ارتباط انسان و شیطان، با تقابل‌های «متناوب» از نفس «سوئه» (که در مبانی نظری توضیح داده شد) آغاز می‌شود. خدای متعال در گفتگوی خود با شیطان، الگویی را برای مقابله با شیطان به بشر ارائه کرده است که آن را عبودیت خالصانه نام نهاده و نام این مسیر را صراط مستقیم گذاشته است (الحجر: ۴۱) و شیطان هم کوشیده است بر این صراط مستقیم بنشیند و در گمراهی بندگان، به جان بکوشد (اعراف: ۱۶). مقصد انسان نیز رسیدن به نفس مطمئنه یعنی عبودیت تامه است (الفجر: ۳۰-۲۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۲۸۶) که در مبانی نظری، با عنوان مقام مخلصین و نفس مطمئنه شرح شد.

انسانی که هنوز به نفس مطمئنه نرسیده است، در تجاذب میان نفس اماره که همان دستور دهنده به بدی و زشتی است (یوسف: ۵۳؛ دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۰۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۹۱، ص ۱۴۳) و نفس لواحه که نفس انسان مومن است و او را از گناه باز می‌دارد

۱. مقصود از رمزگشایی از پیام شیطانی این است که مومن، شیطانی بودن یک پیام به معنای صدور آن از ناحیه شیطان را درک کند؛ هرچند آن پیام ظاهرالصلاح باشد.

(القیامة: ۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۱۰۳) قرار دارد؛ تا حدی که در مورد مومن تعبیر شده است که «إِنَّ الْمُؤْمِنَ مُفْتَنٌ تَوَّابٌ»؛ یعنی مومن دارای اُفت و خیزهایی بین طاعت و عصیان است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۲۴) و همواره در پذیرش وسوسه شیطان یا الهام فرشتگان در حرکت است تا این که بالاخره یا در زمرة فرشتگان درآید و یا از شیاطین شود (صدرالمآلهین، ۱۳۶۳، ص ۱۵۲؛ نراقی، بی تا، ج ۱، ص ۱۹۴).

کشمکش و درگیری یادشده در بند قبل، بین عناصر متقابلی که در ابتدای یافته‌ها تبیین شد و در نمودار شماره ۲ و جدول شماره ۱ مشخص شد واقع است. بنابراین، مسیر حرکت انسان به سوی کمال یا انحطاط، هرگز یک مسیر سراسر مستقیم نیست؛ بلکه مسیری پرفراز و نشیب است که در نمودار شماره ۴ ترسیم شده است. این نمودار، زمینه‌ای برای تبیین ابعاد فراگردی ارتباط انسان و شیطان است که در نمودار شماره ۵ ارائه شده است. آنچه در نمودار شماره ۴ قابل توجه است، تاکید بر دو عنصر کانونی است: فراز و نشیب داشتن این مسیر، جایگاه گرایش‌های چهارگانه نفس (نفس سوئه، نفس اماره، نفس لوامه، نفس مطمئنه) در فراگرد ارتباط شیطان و انسان.



۲-۳-۳. گونهٔ اول از پسر فرست انسان: اطاعت فطرت و فرشته

۲-۳-۴. گونه دوم از پس فرست انسان: اطاعت نفس و شیطان

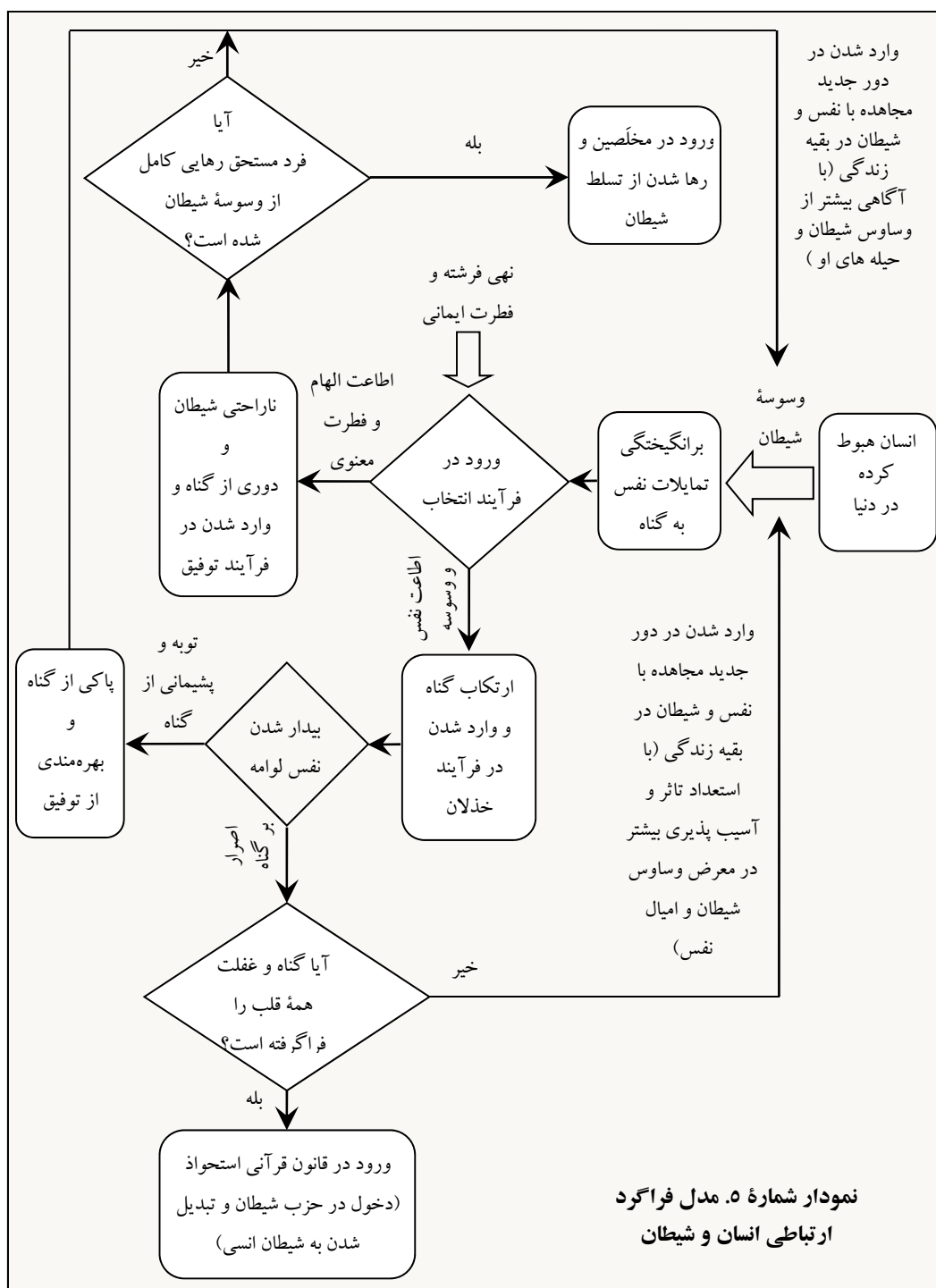
در صورتی که انسان وسوسه شده به ندای فطرت و فرشته اعتنا نکند و از شیطان و نفس پیروی کند، در فرآیند خذلان وارد می شود اما چنین انسانی تا زمانی که به استحواذ (تسلط کامل شیطان) سقوط نکرده است، همین که گناه را مرتکب شود و طوفان خشم یا

شهوت در او فرونشیند، نفس لوامه در وجود او بیدار شده و او را بر گناهش نكوهش می‌کند. (المائدة: ۳۱؛ القیامة: ۲) در اینجا اگر انسان پشیمان به ندای درون خود گوش فرادهد و توبه کامل (تقویت پشیمانی و تصمیم به عدم ارتکاب) کند، از گناه پاک شده و در فرآیند توفیق الهی وارد خواهد و البته باز در معرض وسوسه دیگر قرار خواهد گرفت و در چرخه انتخاب مسیر هدایت یا ضلالت که پیش تر گفته شد وارد خواهد شد. اما اگر به ندای درون گوش ندهد و توبه نکند، در صورتی که آلودگی تمام قلب او را فراگرفته باشد، به دره استحواذ که مقابل استخلاص^۱ است سقوط می‌کند و وارد در حزب شیطان شده و خود شیطانی انسی خواهد شد. توفیق و استحواذ، پیش تر (۳-۲-۲-۲-۲-۲) نقش توفیق و خذلان در ارسال و دریافت پیام گمراهی) توضیح داده شدند. در صورتی که گناه همه قلب انسانی که از وسوسه شیطان تبعیت کرده و گناه کند را فرانگرفته باشد، مجدداً در موارد دیگر در معرض وسوسه شیطان قرار خواهد گرفت؛ زیرا هنوز در لشکر شیطان وارد نشده و امکان انتخاب در او وجود دارد تا بالاخره به یکی از دو قطب استخلاص یا استحواذ برسد. البته در صورت عدم استحواذ نیز از آنجا که چنین فردی در دام وسوسه شیطان نلغزیده و یا در صورت لغزش توبه کرده است، شناخت و آگاهی باطنی بیشتر نسبت به وسوسه شیطان و راه‌های نفوذ او دارد. این شناخت و آگاهی باطنی، عطای الهی به مومنان مجاهد است. (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۰۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۲۶، ص ۱۵۰)

۲-۳-۵. مدل فراگرد ارتباط انسان - شیطان

آنچه از آغاز بحث مدلسازی تا کنون ارائه شد، در نمودار شماره ۵ نمایش داده شده است:

۱. تعبیر استخلاص، از نهج البلاغه در وصف مخلصین برگرفته شده است: قد اخلص الله فاستخلصه. (نهج البلاغه، ۱۴۱۴، ص ۱۱۹)



۲-۴. گونه‌شناسی فراگرد ارتباط انسان با شیطان

بر اساس مبانی و مدل ارتباطی ارائه شده در چارچوب نظری، شیطان در فراگرد ارتباط انسان با وی دارای نقش پارازیت (که در مدل شماره ۱ در فراگرد ارتباط، ایجاد اخلاص می‌نمود) است؛ زیرا در بخش اول یافته‌های تحقیق روشن شد که صحنه اصلی تنازع انسان و شیطان، قلب انسان و گرایش‌های درونی اوست و اصل ارتباطی‌ای که در فرآیند هدایت و ضلالت وجود دارد، تبادل پیام بین گرایش‌های درونی انسان است که در مبانی نظری، تنوع تعبیر از نفس در قرآن و روایات نیز با ارجاع به همین تعدد گرایش‌های درونی تبیین شد.

بنابراین، نقش اخلاص‌گری شیطان به این گونه است که در ارتباط انسان با خدا و با خود متعالی (که همان حقیقت ارتباط با خدا است) وی ایجاد اغتشاش می‌کند. تعبیر قرآنی «لَأَفْقَدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ» (الأعراف: ۱۶) نیز به خوبی دلالت بر این اخلاص‌گری دارد؛ اما این اخلاص در بسیاری از موارد که افراد به تبعیت از او کشیده می‌شوند، به گونه‌ای است که وجود شیطان در فرآیند ارتباط را به یک ارتباط‌گر تبدیل می‌کند و در نتیجه، فرآیند ارتباط را به ارتباط میان فردی تبدیل می‌کند که البته باز هم با توجه به مطالب مذکور در مجرای ارتباطی، این ارتباط در درون انسان صورت می‌گیرد؛ بنابراین، به نظر می‌رسد این ارتباط در هر حال از نوع درون‌فردی باشد.

نتیجه‌گیری

نتایج مقاله در پاسخ به سه سوال تحقیق عبارت‌اند از:

۱. پاسخ به پرسش اول: پیام شیطانی در عرف قرآن کریم وسوسه نام دارد که در آیات قرآنی هم به نفس انتساب یافته و هم شیطان؛ اما این اختلاف، ظاهری است؛ زیرا محور اصلی گمراهی، نفس انسان است و شیطان تنها دعوت‌کننده به بدی است. قرآن کریم، ابعاد پیام گمراهی را در ده محور تفصیلی ارائه فرموده است که این جزئیات با تبیین قرآنی دیگر، در دو دسته کلی خلاصه می‌شوند: واداشتن انسان به گناه و زشتی، واداشتن انسان به گفتن سخنانی که علمی به آن‌ها ندارد. طبق یافته‌های این پژوهش که فضای ارتباط

انسان و شیطان را درون انسان انگاشت، مجرای ارتباطی شیطان و انسان، عبارت از قلب انسان است؛ و شیطان در این ارتباط در نقش پارازیت (عامل اخلاص گر) حضور دارد؛ اما عناصر توفیق و خذلان در فراگرد ارتباطی انسان و شیطان، قابل تطبیق بر عناصر این مدل‌های ارتباطی رایج نیست. بالاخره اینکه رمزگشایی از پیام شیطان تنها با تقوا و بندگی الهی ممکن است و توجه به عناصر متقابل با موجودیت شیطان نیز کارکرد زیادی در شناخت و مواجهه درست با پیام شیطانی دارد.

۲. پاسخ به پرسش دوم: فراگرد ارتباط انسان و شیطان، مسیری سراسر نیست بلکه دارای فراز و نشیب و اُفت و خیز است. این فراگرد در مرحله پیش از هبوط آغاز شده و با هبوط انسان توسعه می‌یابد و آن‌قدر تعامل انسان و ارسال پیام اضلال (وسوسه) توسط شیطان و پس‌فرست انسان در تعامل با آن ادامه می‌یابد تا انسان به یکی از دو قطب استخلاص و استحواذ برسد یا در این میان از دنیا رود. توفیق و خذلان الهی نیز از عوامل یاریگر انسان در این انتخاب دوگانه است.

۳. پاسخ به پرسش سوم: ارتباط انسان و شیطان در هر حال از نوع درون‌فردی است نه میان‌فردی. در درون انسان نیز اگر شیطان را به عنوان گمراه کننده انسان از راه راست در نظر بگیریم، ارتباط از نوع کاملاً درون‌فردی است؛ اما اگر این ارتباط را به عنوان ارتباط شیطان و فردی که زیر سلطه شیطان قرار گرفته لحاظ کنیم، در این صورت ارتباط مذکور به صورت میان‌فردی است که البته در فضای درون فرد صورت می‌گیرد. اینجا است که نظریات رایج ارتباطی که ارتباط درون‌فردی و میان‌فردی را مجزا می‌دانند و موجودیت باطنی انسان را در همین پدیده‌های سطحی روانی فروکاسته‌اند، نمی‌توانند این نوع ارتباط یعنی ارتباط میان‌فردی که در درون فرد باشد! را تفسیر کنند.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه (۱۴۱۴ق). قم: هجرت.

- آسابرگر، آرتور (۱۳۸۷ش). **روش‌های تحلیل رسانه‌ها**، (مترجم: پرویز اجالالی)، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- ابن‌درید، محمد بن حسن (۱۹۹۸م). **جمهره اللغة**، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن‌منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). **لسان‌العرب**، بیروت: دارالفکر.
- ابن‌حنبل، احمد (۱۴۱۶ق). **المسند**، قاهره: دارالحديث.
- ابن‌فهد حلی، احمد (۱۴۰۷ق). **عدة الداعی**، بی‌جا: دارالکتب‌الاسلامی.
- اسمیت، فلیپ (۱۳۸۷ش). **درآمدی بر نظریه فرهنگی** (مترجم: حسن پویان)، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- بحرانی، سید هاشم (۱۳۷۴ش). **البرهان**، قم: مؤسسه بعثت.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۳۱ق). **الصحيح**، بیروت: دارالکتب‌العربی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۰ش). **الجواهر السنیه**، تهران: دهقان.
- دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ق). **إرشاد القلوب**، قم: الشریف‌الرضی.
- زارع، حسین و مصطفی سلیمانیان، (۱۳۹۴ش). **بررسی فلسفه وجودی شیطان**، فصلنامه تحقیقات کلامی، سال سوم، شماره یازدهم، صص ۱۲۲ - ۱۰۳.
- سعادت‌پرور، علی (۱۳۸۵ش). **سر الاسراء**، تهران: احیاء کتاب.
- سورین ورنر - تانکارد جیمز (۱۳۸۱ش). **نظریه‌های ارتباطات**، (مترجم: علیرضا دهقان)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شکر، عبدالعلی، (۱۳۹۳ش). **وسوسه شیطان و راه‌های مقابله با آن در قرآن**، پژوهشنامه معارف قرآنی، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۶۳ - ۸۹.
- صدر المتألهین، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۰ش). **الشواهد الربوبیه**، مشهد: مرکز نشر دانشگاهی.
- _____، (۱۳۶۳). **مفاتیح الغیب**، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- _____، (۱۳۸۱ش). **کسر الاصنام الجاهلیه**، تهران: بنیاد حکمت صدرا.
- _____، (۱۹۸۱م). **الحکمة المتعالیه**، بیروت: داراحیاء التراث.
- صدوق، محمد بن بابویه (۱۴۱۳ق). **من لا یحضره الفقیه**، قم: انتشارات اسلامی.
- _____، (۱۳۹۵ق). **کمال‌الدین**، تهران: اسلامیه.
- طباطبایی، سید محمدحسین (بی‌تا). **الرسائل التوحیدیة**، بیروت: موسسه النعمان.
- _____، (۱۴۱۷ق). **المیزان**، قم: انتشارات اسلامی.

- طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۳۰ق). **المعجم الکبیر**، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق). **مکارم الأخلاق**، قم: الشریف الرضی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). **الأمالی**، قم: دارالثقافة.
- _____، (۱۴۰۷). **التبیان**، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). **تفسیر العیاشی**، تهران: المطبعة العلمية.
- غزالی، ابو حامد (۱۴۱۶ق). **مجموعه رسائل الامام الغزالی**، بیروت: دارالفکر.
- فرهنگي، علی اکبر (۱۳۷۴). **ارتباطات انسانی**، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۳۷۵ش). **اصول المعارف**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- _____، (۱۴۰۶ق). **الوافی**، اصفهان: کتابخانه امام علی علیه السلام.
- _____، (۱۴۱۷ق). **المحجة البيضاء**، قم: انتشارات اسلامی.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). **تفسیر القمی**، قم: دارالکتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ق). **الکافی**، تهران: دارالکتب الإسلامية.
- مازندرانی، محمد صالح (۱۳۸۲ق). **شرح الکافی**، تهران: المكتبة الإسلامية.
- مایرز، گیل و میشله مایرز (۱۳۸۳ش). **پویایی ارتباطات انسانی**، (مترجم: حوا صابر آملی)، تهران: دانشکده صدا و سیما.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). **بحار الأنوار**، بیروت: مؤسسة الوفاء.
- محسنیان راد مهدی (۱۳۸۵). **ارتباط شناسی** (مقدمه چاپ دوم)، تهران: سروش.
- مصباح، محمد تقی، (۱۳۸۸ش - الف). **اخلاق در قرآن**، قم: موسسه امام خمینی.
- _____، (۱۳۸۸ش - ب). **جهان شناسی، انسان شناسی، خدا شناسی در قرآن**، قم: موسسه امام خمینی.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). **الاختصاص**، قم: کنگره شیخ مفید.
- مهدی زاده، سید محمد (۱۳۹۲). **نظریه های رسانه: اندیشه های رایج و دیدگاه های انتقادی**، تهران: همشهری.
- نراقی، محمد مهدی (بی تا). **جامع السعادات**، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- ورام، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰ق). **تنبيه الخواطر ونزهة النواظر**، قم: مكتبة فقيه.

- هارجی، اون و کریستین ساندروز و دیوید دیکسون (۱۳۹۰ش). **مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان‌فردی**، (مترجم: مهرداد فیروزبخت و خشایار بیگی)، تهران: رشد.
- هیشمی، علی بن ابی‌بکر (۱۴۱۴ق). **مجمع‌الزوائد ومنبع‌الفوائد**، القاهرة: مكتبة القدسی.